

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۴

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال دوم

مقالات

- دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب «عمر البشیر»
 - قتل و صدمه بدنی در منازعه
 - تحقیق و توسعه فناوری نانو از نگاه حق بر سلامتی
 - چالش‌های مفهوم رزمنده در حقوق بشردوستانه بین‌المللی
 - ادغام شرکت‌های تجاری از منظر قوانین ایران
 - تحریم هوایی ایران با رویکردی به کنوانسیون شیکاگو
- موضوع ویژه: چالش‌های معاملات املاک در نظام حقوقی ایران
- نقش سند رسمی در بیع املاک
 - جایگاه دفاتر اسناد رسمی در تنظیم معاملات املاک و خلأهای حقوقی آن
 - چالش‌ها و نارسایی‌های موجود ناشی از درج قیمت منطقه‌ای به جای قیمت واقعی
 - ماهیت حقوقی پیش‌فروش آپارتمان و راهکارهای ثبت رسمی آن
 - تحلیل حقوقی دعوای اثبات مالکیت
- نقد: لایحه قانون تجارت
- نقد شیوه قانون‌نویسی در لایحه قانون تجارت
 - تأملاتی در خصوص لایحه قانون تجارت مصوب تیرماه ۱۳۸۴ هیأت وزیران
 - بررسی انتقادی ابواب یکم تا ششم لایحه قانون تجارت
 - نقد مقررات ابواب پنجم و هفتم لایحه قانون تجارت
 - نگاهی به مقررات لایحه قانون تجارت در باب ضمانت مستقل
 - نقد و بررسی ادغام شرکت‌های تجاری در لایحه قانون تجارت





http://jlr.sdil.ac.ir/article_43752.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۴، نیمسال دوم ۱۳۸۷
صفحات ۳۳۷ الی ۳۵۰، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۲/۲۲

نقد شیوه قانون‌نویسی در لایحه قانون تجارت

دکتر سید الهام‌الدین شریفی*

مقدمه

قانون تجارت ایران که حدود هفتاد و هشت سال از تصویب آن گذشته است، علی‌رغم تحولات فراوان در عرصه اقتصاد و تجارت، به‌خصوص تحولات ناشی از پیشرفت‌های الکترونیکی و تکنولوژیکی در دو دهه اخیر، اصلاح مهم و مؤثری به جز اصلاح سال ۱۳۴۷ در خصوص شرکت‌های سهامی، نداشته است. لذا ضرورت اعمال اصلاحات اساسی در قانون تجارت و به روز کردن آن در جهت برداشتن موانع حقوقی توسعه تجاری و اقتصادی ایران، آشکار و جدی بود. مسأله‌ای که بالاخره وزارت بازرگانی بر اساس مأموریت محوله از جانب دولت وقت بدان اهتمام ورزیده و با تشکیل «شورای راهبردی» و «کمیته کارشناسی» و با استفاده از اساتید حقوق، اقتصاد و مالی آن را عملی نمود. این لایحه که هیأت دولت در تیرماه ۱۳۸۴ آن را تصویب کرد اکنون جهت تصویب نزد مجلس شورای اسلامی مطرح است.

بی‌گمان کار انجام شده دارای نوآوری و نکات مثبت نیز است. اما از نظر شیوه و شکل قانون‌گذاری بسیار ضعیف بوده و به جرات می‌توان گفت که در این زمینه نه تنها پیشرفتی نداشته است که از قوانین تصویب شده در هفتاد و هشت سال گذشته نیز ضعیف‌تر است. در حالی که امروزه با توجه به پیشرفت‌های علمی در زمینه الکترونیکی و رایانه‌ای، شکل و شیوه قانون‌گذاری در دنیا در جهت سهولت کار قانون‌گذاران،

* استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و وکیل پایه یک دادگستری

مجریان و دست‌اندرکاران قوانین تغییر کرده و بهبود پیدا کرده است. علی‌الخصوص در زمینه شماره‌گذاری مواد، تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر قوانین و دادن عنوان به تک‌تک مواد یک قانون، تحولات فراوانی به وجود آمده است؛ به نحوی که در دهه اخیر کمتر قانون تصویب شده‌ای را در دنیا می‌توان دید که از شیوه شماره‌گذاری ترکیبی یا عنوان‌گذاری تک‌تک مواد یا تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر قوانین استفاده ننموده باشد. در این نوشتار سعی خواهد شد که لایحه از منظر شکل و شیوه قانون‌گذاری در شماره‌گذاری و عنوان‌گذاری مواد، تقسیم‌بندی‌های به عمل آمده در قانون و تکرار مواد و همچنین قدرت اصالت بخشیدن به حقوق تجارت مورد بررسی قرار گیرد.

۱- فقدان اصالت در لایحه قانون تجارت

لایحه قانون تجارت، مانند قانون تجارت فعلی، به نحوی طرح ریزی شده است که نمی‌تواند اصالتی به عنوان یکی از قوانین اصلی در کشور داشته باشد. زیرا این لایحه نیز مانند قانون، صرفاً مشتمل بر یک سری احکام فاقد قواعد عمومی بوده و جز در موارد استثنائی بر مبنای نظری استوار نمی‌باشد. لذا تفسیر احکام و مواد آن در جهت تبیین معنا یا پر کردن خلأ، باید با مراجعه به یک قانون اصیل (قانون مدنی) و با توجه به قواعد عمومی و اصول کلی و مبنای نظری آن صورت گیرد و چه بسا که احکام، قواعد و اصول قانون عام با مقتضیات و نیازهای خاص تجارت سازگاری نداشته باشد. در حالی که قانون تجارت به عنوان یکی از قوانین اصلی هر کشوری و با توجه نیازها و مقتضیات خاص خود، باید دارای اصول و قواعد عمومی خاص خود باشد که احکام مندرج در آن با توجه به اصول و قواعد مزبور طرح ریزی، تهیه و تدوین گردد. به عبارت دیگر قانون تجارت نیازمند اینست که در ابتداء هر بخش، تعدادی اصول و قواعد به عنوان قواعد کلی مطرح گردد تا در تبیین معنای احکام، رفع ابهام یا خلأ، ابتدائاً بر مبنای اصول و قواعد مزبور عمل گردد و ناگزیر از مراجعه به قانون عام (مدنی) در تمام موارد (چه بسا که با مقتضیات تجارت سازگار نباشد) نگردیم، مانند مبحث قائم مقامی در قانون و لایحه قانون تجارت. در لایحه و قانون تجارت، قائم مقامی بر نهاد وکالت مبتنی است. با توجه به فقدان اصول و قواعد کلی برای وکالت تجاری در قانون و لایحه قانون تجارت، تنظیم روابط قائم مقام با تاجر و اشخاص ثالث

در موارد فقدان نص در قانون و لایحه قانون تجارت، باید با توجه مقررات قانون مدنی و اصول کلی حاکم بر وکالت در آن صورت گیرد. در حالی که اصول کلی «واقعی بودن وکالت» و «عدم نیابت» در حقوق مدنی، با مقتضیات نهاد قائم مقام تجاری که نیازمند پذیرش وکالت ظاهری و اصل اختیار کامل می‌باشد؛ سازگار نمی‌باشد.

در واقع پیش‌بینی قواعد و اصول کلی منطبق با مقتضیات و نیازهای تجاری در لایحه قانون تجارت، سبب می‌شود که احکام مندرج در آن در موارد ابهام و خلأ با توجه به مقتضیات تجاری تفسیر و تعبیر گردد. این اصول کلی و قواعد عمومی زمینه‌ساز بروز و توسعه مبانی نظری برای این رشته حقوقی و مآلاً اصیل تلقی شدن آن خواهد شد.

۲- استفاده از شیوه شماره‌گذاری سنتی ترتیبی در شماره‌گذاری مواد لایحه

در روش شماره‌گذاری سنتی مواد یک قانون از شیوه ترتیبی استفاده می‌شود و به مواد قانون به ترتیب نگارش از عدد ۱ به بالا مثلاً تا ۶۰۰ شماره اختصاص داده می‌شود. علی‌رغم ساده بودن استفاده از روش ترتیبی برای تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قوانین و قانون‌گذاران، روش مزبور ایرادات اساسی داشته و مانعی جدی در اعمال اصلاحات نسبت به قوانین به حساب می‌آید. از جمله ایرادات مزبور می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

در روش ترتیبی شماره مواد اساساً نمی‌تواند بیانگر فصول، تقسیمات و پلان یک قانون باشد.

روش ترتیبی مانع جدی برای اعمال اصلاحات اساسی و گسترده نسبت به یک قانون به شمار می‌آید. زیرا اعمال اصلاحات گسترده متضمن الغاء یا وارد کردن مواد متعدد در یک قانون می‌باشد و مآلاً موجب برهم خوردن شماره قوانین می‌گردد. بدین لحاظ در مواردی که علی‌رغم مناسب بودن ساختار یک قانون، نیازمند اعمال اصلاحات گسترده می‌باشد؛ قانون‌گذاران از اعمال اصلاحات اکراه دارند. زیرا اعمال اصلاحات نیازمند وارد کردن مواد متعدد جدید و حذف مواد متعدد قدیم می‌باشد و این امر در شماره مواد و نظم قانون ایجاد اختلال می‌نماید و چه بسا که قانون‌گذار در این موارد ناگزیر از کنار گذاشتن قانون قبلی و وضع قانون جدید گردند.

در اعمال اصلاحات بسیار محدود نیز، قانون‌گذاران در غالب موارد، ناگزیر از فدا کردن اصول تقسیمات و ترتیبات منطقی برای حفظ شماره ترتیب قوانین می‌گردند. امروزه در شماره‌گذاری مواد قوانین جدید، کمتر از روش ترتیبی استفاده می‌شود و غالباً روش ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش هر ماده دارای یک شماره ترکیبی است که اولین شماره بیانگر فصل، شماره بعدی بخش و شماره یا شماره‌های آخر ماده می‌باشند. به عنوان نمونه شماره ۳,۲۰۳ از اصول قراردادهای حقوق اروپایی که در شماره‌گذاری آن از روش ترکیبی استفاده شده است (پیوست شماره ۱)، بیانگر آن است که این ماده سوم از بخش دوم از فصل سوم این قانون است. از محاسن روش مزبور می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

از آنجا که مواد هر بخش دارای شماره‌گذاری مخصوص خود است، لذا افزودن یا کاستن مواد یک بخش اختلالی در شماره مواد بخش‌ها و فصول دیگر قانون ایجاد نمی‌نماید.

این روش این امکان را فراهم آورده است که در هر بخش به راحتی ده‌ها ماده قابل افزایش یا کاهش باشد و امکان اعمال اصلاحات اساسی بدون برهم زدن ساختار و نظم و ترتیب یک قانون را به وجود آورده است. شماره هر ماده به‌روشنی بیانگر جایگاه آن در بین مواد، بخش و فصل مربوطه می‌باشد.

این روش دغدغه اختلال در یافته‌ها و اطلاعات حقوقدانان، ضرورت اصلاح و تغییر کتب حقوقی و قوانین در نتیجه اعمال اصلاحات را بسیار کاهش داده است. زیرا با محفوظ ماندن ساختار یک قانون با حفظ فصول و بخش‌های آن در راستای اعمال اصلاحات، ساختار و تقسیم‌بندی کتب حقوقی و شماره‌های ارجاعی به مواد قانون کمتر دچار تغییر می‌گردد. همچنین انس و عادت ایجاد شده نسبت به شماره قوانین در نزد حقوقدانان با یک اصلاح دچار لطمه نمی‌گردد.

متأسفانه تهیه‌کنندگان پیش‌نویس لایحه از روش ترکیبی غافل مانده و لایحه را به شیوه رایج در سده‌های گذشته تقسیم نموده‌اند.

۳- عدم استفاده مطلوب از روش تقسیم‌بندی و دسته‌بندی علمی در تنظیم مطالب

در حالی که امروزه در قوانین اکثر کشورها شاهد ایجاد دسته‌بندی و تقسیم‌بندی جزئی مباحث هستیم؛ به نحوی که برای سهولت کار خوانندگان و مراجعه‌کنندگان، حتی به تک تک مواد عنوان داده می‌شود (مانند قانون مدنی جدید آلمان، مصوب ۲۰۰۲، قانون تجارت کره، مصوب ۱۹۹۹، اصول قراردادهای حقوق اروپایی، مصوب ۲۰۰۲).^۲ در لایحه قانون تجارت در اکثر موارد از تقسیم‌بندی مطالب در بخش‌های کلی احتراز شده است، به نحوی که بعضاً ده‌ها ماده در زیر یک عنوان کلی و بدون وجود تقسیمات جزئی جمع شده است و مراجعه‌کننده برای یافتن حکم یک موضوع ناگزیر باید تمام یک مبحث کلی را مورد مطالعه قرار دهد. قطعاً این امر مراجعه را بسیار سخت کرده و موجب فوت زمان زیادی از دست‌اندرکاران تفسیر و اجراء قانون خواهد شد. به عنوان مثال:

ذیل مبحث چک حدود هشتاد ماده؛

ذیل مبحث برات حدود نود و پنج ماده؛

ذیل مبحث ادغام و تجزیه حدود سی و سه ماده؛

ذیل مبحث بازسازی حدود صد ماده؛

ذیل مبحث ورشکستگی حدود شصت و پنج ماده؛

ذیل مبحث ضمانت حدود پنجاه ماده؛

و ذیل مبحث حمل و نقل حدود چهل ماده جمع شده است.

لازم به ذکر است که نگارش مطالب پی‌درپی و بدون تقسیم‌بندی، شبیه کتاب‌های تحریر شده در سده‌های قبل، امروزه یک شیوه غیرعلمی تلقی می‌گردد. تهیه‌کنندگان لایحه حتی در اکثر موارد تقسیمات جزئی به عمل آمده در قانون قبلی را نیز مورد توجه قرار نداده و حذف نموده‌اند.

1. The Principles of European Contract Law

این اصول به عنوان بخش قواعد عمومی قراردادها در پیش‌نویس قانون مدنی جدید اروپا (DCFR) قرار داده شده است.

۲. قسمتی از قوانین و مقررات مزبور در پیوست‌ها آمده است.

۴- فقدان نظم و ترتیب منطقی در تقسیمات به عمل آمده

در اندک تقسیمات به عمل آمده نیز نظم و ترتیب علمی و منطقی تقسیم مطالب مراعات نشده است، به نحوی که در اکثر موارد تناسب کمی بین فصول یک باب وجود نداشته یا اقسامی در ذیل یک مقسم قرار گرفته که از جنس مقسم نبوده یا مباحث جزئی یک فصل به جای طرح در زیر آن، به عنوان یک فصل مستقل در کنار آن طرح گردیده است. نمونه‌های زیر شاهدهی بر این ادعا می‌باشد.

- باب ششم لایحه تحت عنوان اشخاص حقوقی و شرکت‌ها آمده است. ظاهراً دو موضوع عمده و مستقل باید در آن طرح شده باشد. در حالی که فصل اول مذکور (اشخاص حقوقی) نیز به نوعی ناظر بر احکام شرکت‌ها می‌باشد. در واقع فصل اول مذکور صرفاً در مقام اعطاء شخصیت حقوقی به شرکت‌ها و بیان آثار آن است. لذا قرار دادن اشخاص حقوقی در فصل اول به عنوان قسم مستقلی در برابر شرکت‌ها صحیح نبوده و باید به عنوان قسمتی از مبحث شرکت‌ها آورده شود.

فصل اول تحت عنوان اشخاص حقوقی ۱۱ ماده و فصل دوم در خصوص شرکت‌ها ۳۶۴ ماده دارد.

فصل سوم به ادغام و تجزیه اختصاص یافته است. این فصل نیز فصل مستقلی در برابر شرکت نبوده و باید به عنوان بخش و زیرمجموعه شرکت‌ها آورده شود. زیرا مقررات آن صرفاً مربوط به ادغام یا تجزیه در شرکت‌ها است.

فصل چهارم تحت عنوان مقررات نهایی، صرفاً ناظر بر شرکت‌ها است. لذا قراردادن فصل مذکور به عنوان قسم مستقلی در برابر شرکت‌ها صحیح نبوده و باید به عنوان قسمتی از مبحث شرکت‌ها آورده شود. مطالب فوق به خوبی حاکی از آن است که در تقسیم به عمل آمده هیچ نظم و ترتیب منطقی وجود نداشته و اصول علمی تدوین و تنظیم قانون رعایت نگردیده است.

به نظر می‌رسد که باب مذکور باید تحت عنوان شرکت آورده می‌شد و در فصل کلیات شخصیت حقوقی شرکت، اقامتگاه و تابعیت آن مطرح می‌شد. همچنین مباحث ادغام و تجزیه یا مقررات نهایی نیز به عنوان فصولی در باب ششم شرکت‌ها جای می‌گرفت.

- استقلال ضمانت از قراردادهای تجاری و اختصاص باب مستقلی به آن (باب

چهارم) در عرض قراردادهای تجاری که در باب سوم گنجانیده شده است، از جمله ایرادات مربوط به تقسیم‌بندی مطالب است. زیرا ضمان یکی از قراردادهای شناخته شده در حقوق مدنی و حقوق تجارت بوده و در عقد بودن آن تردیدی وجود ندارد. - همچنین قرارداد «تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی از قبیل سیرک، تئاتر، فرهنگ‌سراها و موزه‌ها به عنوان قسمی از فعالیت تولیدی و صنعتی» بر شمرده شده است.

۵- تکرار غیر ضروری احکام و مواد

در حالی که رعایت اختصار در قانون‌نویسی و پرهیز از وضع مواد تکراری از اصول مسلم قانون‌نویسی به حساب می‌آید،^۳ تهیه‌کنندگان لایحه به این امر اصلاً توجه ننموده‌اند. لذا در لایحه در موارد متعددی شاهد تکرار غیر ضروری برخی از احکام و مواد هستیم. از جمله موارد مذکور می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره داشت: در تکالیف تاجر، پس از هر واژه «تاجر» عبارت «به استثناء کسبه جزء» تکرار شده است. در حالی که بهتر است تکلیف کسبه جزء یکبار از حیث شمول یا عدم شمول احکام یا برخی از آنها در یک ماده روشن شود. بیش از هفتاد درصد مواد فصل دوم (سفته) از باب پنجم (اسناد تجاری) و شصت درصد مواد فصل سوم (برات) تکرار مواد فصل اول (چک) همان باب می‌باشد. لازم به ذکر است که این تکرار صرفاً تکرار مفهومی نبوده و در اکثر موارد عبارات مواد عیناً تکرار شده‌اند.

به عنوان نمونه:

- ماده ۱۹۶: ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ چک ضمانت شود.
- ماده ۲۷۳: ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ سفته ضمانت شود.
- ماده ۳۸۲: ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ برات ضمانت شود.
- ماده ۲۵۶: سفته ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.
- ماده ۳۲۵: برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

۳. صفر بیگزاده، شیوه‌نامه نگارش قانون، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸.

متن مواد ۱۸۸ در خصوص مبلغ چک، ۲۵۵ در خصوص مبلغ سفته و ۱۸۱ در خصوص مبلغ برات عیناً یکسان می‌باشند.

۶- خلط مقررات شکلی و ماهوی

- علی‌رغم اینکه قانون تجارت یک قانون ماهوی است، بسیاری از احکام شکلی مانند تکلیف دایره اجراء ثبت، نحوه توقیف یا بازداشت اموال که علی‌الاصول در مقررات مربوطه شکلی موجود هستند؛ در آن وارد شده‌اند (مانند مواد ۳۱۲ تا ۳۱۵).

- تأکید بر دادگاه تجاری: با وجود اینکه ضرورت تشکیل یک دادگاه تخصصی جهت رسیدگی به موضوعات تجاری غیر قابل انکار است. اما تکلیف ایجاد دادگاه تجاری و قرارداد حل و فصل اختلافات مربوط به اعمال تجاری در صلاحیت دادگاه مزبور، خارج از صلاحیت لایحه قانون تجارت است. زیرا تشکیل چنین دادگاهی منوط به داشتن امکانات کافی و مخصوصاً داشتن قضات و نیروهای متخصص در این زمینه است. لذا این قوه قضائیه است که باید با توجه امکانات و نیروهای خویش پیشنهاد تشکیل چنین دادگاهی را بدهد. بنابراین طرح تشکیل دادگاه تجاری بدون توجه به واقعیت‌ها و شرایط قوه قضائیه منشأ اثر نبوده و چه بسا که اجراء مقررات قانون در مواردی که صریحاً اجراء آن بر عهده دادگاه تجاری قرار گرفته باشد؛ با مشکل مواجه سازد. به عبارت دیگر وضع قانون متناسب با منابع که یکی از اصول اولیه قانون نویسی است؛ مورد توجه تهیه‌کنندگان لایحه قرار نگرفته است.

۴. محمد راسخ، بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸.

پیوست شماره ۱
اصول قراردادهای حقوق اروپایی
از حیث نحوه شماره‌گذاری مواد و عنوان داشتن تک تک مواد

THE PRINCIPLES OF EUROPEAN CONTRACT LAW
Parts I and II revised 1998 (Parts I and II revised 1998, Part III 2002)

CHAPTER 3 - AUTHORITY OF AGENTS

Section 1 - General Provisions

Article 3:101 - Scope of the Chapter
Article 3:102 - Categories of Representation

Section 2 - Direct Representation

Article 3:201 - Express, implied and apparent authority
Article 3:202 - Agent acting in exercise of his authority
Article 3:203 - Unidentified Principal
Article 3:204 - Agent acting without or outside his authority
Article 3:205 - Conflict of Interests
Article 3:206 - Sub agency
Article 3:207 - Ratification by Principal
Article 3:208 - Third Party's Right with Respect to Confirmation of Authority
Article 3:209 - Duration of Authority

Section 3 - Indirect Representation

Article 3:301 - Intermediaries not acting in the name of a Principal
Article 3:302 - Intermediary's Insolvency or Fundamental Non-performance to Principal
Article 3:303 - Intermediary's Insolvency or Fundamental Non-performance to Third Party
Article 3:304 - Requirement of Notice

پیوست شماره ۲
قانون پولی و مالی فرانسه نمونه‌ای برای شیوه شماره‌گذاری ترکیبی

MONETARY AND FINANCIAL CODE

With our thanks to Jacques Terray, Alban Caillemer du Ferrage, Philippe Goutay, Hubert Merveilleux du Vignaux, Guenhaelle Surpas-Lemonnier, Stéphane Jaffré, Stéphane Puel, Philippe Nugue, Edmund Parker, Karine Herman, attorneys at law of Gide Loyrette Nouel law firm.

BOOK I
The Currency Articles L111-1 to L165-1

Part I

General Provisions Articles L111-1 to L113-1

CHAPTER I

The Currency Unit Articles L111-1 to L111-2

Article L111-1

(Inserted by Order No. 2000-1223 of 14 December 2000, Official Journal of 16 December 2000) The currency of France is the euro. A euro is divided into one hundred cents.

Article L111-2

(Inserted by Order No. 2000-1223 of 14 December 2000, Official Journal of 16 December 2000) Until 31 December 2001, the franc is the French subdivision of the euro. Until that same date, only banknotes and metallic coins denominated in francs shall be legal tender.

CHAPTER II

Rules relating to Use of the Currency Articles L112-1 to L112-10

SECTION I

Indexing Articles L112-1 to L112-4

Article L112-1

(Inserted by Order No. 2000-1223 of 14 December 2000, Official Journal of 16 December 2000) Without prejudice to the provisions of the first paragraph of Article L. 112-2 and Articles L. 112-3 and L. 112-4, automatic indexing of the prices of goods or services is prohibited. Any clause in a successive performance contract, including all kinds of leases and rental agreements, which provides for application of an index variation period longer than the interval between each review is deemed not to exist. Any clause in an agreement pertaining to a dwelling unit which provides for indexing linked to the "rents and charges" index used to determine the general retail price indexes is prohibited. The same applies to any clause which provides for indexing linked to the statutory rates of increase set pursuant to Act No. 48-1360 of 1 September 1948, unless the initial amount itself was set in accordance with the provisions of the said Act and its implementing legislation.

Article L112-2

(Order No. 2000-1223 of 14 December 2000, Official Journal of 16 December 2000) (Act No. 2001-1135 of 3 December 2001 Article 21 II, Official Journal of 4 December 2001 effective 1 July 2002) Any clause of a contract which provides for indexing linked to the guaranteed minimum wage, the general level of prices, salaries and wages, or the prices of goods or services which is not directly related to the object of the contract or the business of one of the parties is prohibited. Any clause of a contract relating to a building which provides for indexing linked to variations in the National Construction Cost Index published by the National Institute of Statistics and Economic Studies is deemed to be directly related to its object. The provisions of the preceding paragraph do not apply to contractual provisions relating to maintenance debts. Life annuities arranged between individuals pursuant to the provisions of Article 759 of the Civil Code shall be treated as maintenance debts.

Article L112-3

(Act No. 2004-804 of 9 August 2004 Art. 3 Official Journal of 11 August 2004)
 (Act No. 2005-841 of 26 July 2005 Art. 35 I Official Journal of 27 July 2005
 effective 1 July 2006) Notwithstanding the provisions of Article L. 112-1 and of the
 first paragraph of Article L. 112-2, and as determined by decree, the following may
 be indexed to the general level of prices:

- 1 The debt instruments and financial futures referred to in 2 and 4 of I of Article L. 211-1;
- 2 The initial passbook accounts of the Caisse nationale d'épargne and the Caisses d'épargne et de prévoyance, and the special passbook accounts of the Crédit mutuel referred to in Article L. 221-1;
- 3 The popular savings passbook accounts referred to in Article L. 221-13;
- 4 The Industrial Development Accounts referred to in Article L. 221-27;
- 5 The home-ownership savings plans referred to in Article L. 315-1 of the Building and Housing Code;
- 6 The company savings plans referred to in Article 1 of Act No. 84-578 of 9 July 1984 on development of the economic initiative;
- 7 The passbook savings accounts available to the manual workers referred to in Article 80 of the 1977 Finance Act (No. 76-1232 of 29 December 1976);
- 8 Loans granted to legal entities and natural persons for business purposes;
- 9 The rents provided for in agreements relating to residential premises.

Article L112-4

(Inserted by Order No. 2000-1223 of 14 December 2000, Official Journal of 16 December 2000) Indexing to the guaranteed minimum wage pursuant to the rules laid down in Article L. 141-3 of the Labour Code.

پیوست شماره ۳

بخشی از قانون مدنی آلمان به عنوان نمونه‌ای از عنوان داشتن تک تک مواد

GERMAN CIVIL CODE

Title 1

Capacity to contract

Section 104

Incapacity to contract

A person is incapable of contracting if

1. He is not yet seven years old,
2. He is in a state of pathological mental derangement, which prevents the free exercise of will, unless the state by its nature is a temporary one.

Section 105

Void ness of declaration of intent

(1) The declaration of intent of a person incapable of contracting is void.

(2) Also void is a declaration of intent that is made in a state of unconsciousness or temporary mental derangement.

Section 105a

Everyday transactions

If a person of full age incapable of contracting enters into an everyday transaction

that can be effected with funds of low value, the contract he enters into is regarded as effective with regard to performance and, if agreed, counter performance, as soon as performance and counter performance have been affected. Sentence 1 above does not apply in the case of considerable danger to the person or the property of the person incapable of contracting.

Section 106

Limited capacity for minors to contract

A minor who has reached the age of seven has limited capacity to contract under sections 107 to 113.

Section 107

Consent of the legal representative

A minor requires, for a declaration of intent as a result of which he does not receive only a legal benefit, the consent of his legal representative.

Section 108

Entering into a contract without consent

(1) If the minor enters into a contract without the necessary consent of the legal representative, the effectiveness of the contract is subject to the ratification of the representative.

(2) If the other party requests the representative to declare his ratification, the declaration can be made only to the other party; a declaration or refusal of ratification made to the minor before the request of the other party is ineffective. The ratification can be declared only before the expiry of a two-week period after the request is received; if ratification is not declared, it is regarded as refused.

(3) If the minor has become fully capable of contracting, the ratification of the minor replaces the ratification of the representative.

Section 109

Right of revocation of the other party

(1) Until the contract is ratified, the other party is entitled to revoke. Revocation may also be declared to the minor.

(2) If the other party realised that he was dealing with a minor, he may revoke only if the minor untruthfully stated that the legal representative had given consent; he may not revoke in this case either if, when the contract was entered into, he had notice of the lack of consent.

Section 110

Payment by minor with own means

A contract entered into by the minor without the ratification of the legal representative is deemed effective from the beginning if the minor effects performance under the contract with means that were given to him for this purpose or for his free disposal by the legal representative or by a third party with the ratification of the representative.

Section 111

Unilateral legal transactions

A unilateral legal transaction that the minor enters into without the necessary consent of the legal representative is ineffective. If the minor enters into such a legal transaction with another person with this consent, the legal transaction is ineffective if the minor does not produce the consent in writing and the other person without

undue delay rejects the legal transaction for this reason. Rejection is not possible if the representative had given the other person notice of the consent.

پیوست شماره ۴

قانون تجارت کره از حیث عنوان داشتن تک تک مواد

ACT KOREAN COMMERCIAL

PART I : GENERAL PROVISIONS

CHAPTER I : COMMON PROVISIONS

Article 1

(Applicable Rules to Commercial Matters)

When there is no provision in this Act as to a commercial matter, the commercial customary law shall apply; and if there is no such law, the provisions of the Civil Act shall apply.

Article 2

(Commercial Activities by Public Juristic Persons)

Except as otherwise provided by any Acts and subordinate statutes, this Act shall apply to commercial activities effected by a public juristic person.

Article 3

(Unilateral Commercial Activities)

If an act of a party among the relevant parties is considered as a commercial activity, this Act shall apply to all the parties involved.

CHAPTER II : MERCHANTS

Article 4

(Merchant-by Nature of Business)

A person who engages in commercial activities in his own name is called a merchant.

Article 5

(Merchant-by Legal Construction)

(1) A person who engages in a business in a merchant's way maintaining a shop or similar equipment shall be deemed to be a merchant, even if he does not engage in commercial activities.

(2) The provisions of paragraph (1) shall also be applicable to a company even if it does not engage in commercial activities.

Article 6

(Business of Incompetent Person and Registration thereof)

When a minor or a quasi-incompetent person engages in any business upon the permission of his legal representative, registration thereof shall be affected.

Article 7

(Incompetent Person and Member with Unlimited Liability)

When a minor or quasi-incompetent person has become a member with unlimited liability of a company upon the permission of his legal representative, he shall be deemed to be a person with full capacity in respect of any act done in the capacity of such member.

Article 8

(Representation of Business by Legal Representative)

- (1) If a legal representative engages in any business on behalf of a minor, quashing competent or incompetent person, registration thereof shall be affected.
- (2) Any restriction upon the authority of legal representative shall not be effective against a third person acting in good faith.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 2

Articles

- The ICC and Issue of Arrest Warrant for *Al Bashir*
- Homicide or Injury in Battle
- Research & Development in Nanotechnology and Right to Health
- Challenges of the Concept of “Combatant” in International Humanitarian Law
- Merging Commercial Companies in the Iranian Laws
- Sanction against Iranian Aviation: An Approach to the Chicago Convention

Special Issue: Challenges of Real Estate Transactions in the Iranian Legal System

- The Role of Official Documents in Real Estate Transactions
- Role of Notaries Public in Regulating Real Estate Transactions and its Legal Vacuums
- Deficiencies Caused by the Insertion of Regional rather than Actual Prices
- Advance Selling of Flats: Legal Nature and Working Procedures for Official Registrations
- Proving the Claim of Ownership: A Legal Analysis

Critique: The Draft of Iranian Commercial Code

- The Method of the Drafting the Commercial Code
- The 2005 Cabinet Draft to Modify the Commercial Code
- The 1-6 Chapters of the Commercial Draft
- The 5 & 7 Chapters of the Commercial Draft
- Independent Guarantees in the Provisions of the Commercial Draft
- Merging Companies in the Commercial Draft

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study